



ایمان میرزازاده
دانشجوی کارشناس ارشد رشته حقوق بشر

توسعه از منظر حقوق بشر

هر وقتی سخن از توسعه می شود، به یکباره فکر ما معطوف به توسعه اقتصادی و یا توسعه صنعتی و .. می شود. اما آیا از منظر حقوق بشر، توسعه تنها منحصر و محدود به توسعه اقتصادی است؟ در حقوق بشر ۳ نسل را می توان متصور بود:

نسل اول که حقوق فردی را تشکیل می دهد (حقوق مدنی و سیاسی)، نسل دوم که شامل حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است و نسل سوم حقوق بشر که موسوم به حقوق همبستگی است.

نسل سوم حقوق بشر، حقوقی مانند صلح، محیط زیست سالم، میراث مشترک بشریت، ارتباطات و حق توسعه را در برمی گیرد. عامل اصلی برای تحقق این حقوق، مشارکت همه آحاد مردم در هر کجای جهان است و به همین علت این نسل از حقوق بشر را حقوق همبستگی نام نهاده اند.

۲) فرایندی خاص از توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی می باشد که در طی آن فرایند، همه حقوق بشر و آزادیهای اساسی می توانند کاملاً تحقق یابند.

۳) سه محور اصلی در این فرایند، مشارکت، سهم شدن، برخورداری از آن فرایند خاص توسعه است.

همچنین، مقدمه اعلامیه ۱۹۸۶، حق توسعه را چنین تعریف میکند: یک فرایند اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامع با هدف بهبود مستمر رفاه کل جامعه و همه افراد براساس مشارکت فعال، آزادانه و هدفمند ایشان در توسعه و در توزیع عادلانه مزایای ناشی از آن. همینطور که اعلامیه اشاره دارد، برای تحقق حق توسعه، ما احتیاج به یک فرایند داریم که بایستی با مشارکت مردم که می باید آزادانه و هدفمند باشند، ایجاد گردد و دیگر اینکه، مزایای حاصل از این فرایند، بایستی عادلانه و برابر توزیع گردد.

توسعه به مفهوم حقوق بشری آن، توسعه همه جانبه و پایدار است، توسعه ای انسانی است، یعنی توسعه ای که همه حقوق و آزادیهای اساسی انسان را می تواند کاملاً محقق کند، توسعه ای که تنها معطوف به یک وجه باشد در مفهوم حقوق بشری، نمی تواند توسعه ای پایدار و انسان محور باشد. به عنوان نمونه می توان گفت که، صرف توسعه

توسعه مورد نظر حقوق بشر چیست و چگونه محقق می شود؟

به عنوان نمونه، جهشی در تولید ناخالص داخلی یک کشور رخ می دهد، ولی گروههای ثروتمند تر که دسترسی بیشتر به سرمایه مالی و انسانی دارند، به کامیابی می رسند، در مقابل، اقشار فقیرتر از قافله عقب می مانند و محروم از مزایا و منافع می شوند و یا اگر نوعی صنعتی شدن سریع یا تدریجی رخ دهد، افزایش درآمد ناشی از آن فرایند، به همه اقشار تسری نمی یابد و بخشهای کوچکتر و ضعیف تر، هر چه بیشتر به حاشیه رانده می شوند، آیا این موارد را می توان توسعه به مفهوم حقوق بشری دانست؟

در سال ۱۹۸۶، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اعلامیه موسوم به حق توسعه را تصویب کرد که فی الواقع محور بحثهای حق توسعه شده است. این اعلامیه در بند ۱ ماده ۱، حق توسعه را چنین تعریف می کند: حق توسعه، حق مسلم بشریست که به موجب آن هر فرد انسان و همه مردم استحقاق مشارکت، سهم شدن و برخورداری از توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را دارند، به نحوی که در آن همه حقوق بشر و آزادیهای اساسی کاملاً تحقق می یابند.

این ماده بیان کننده ۳ اصل است:

۱) یک حق مسلم بشری به نام حق توسعه.

اقتصادی، نمی تواند توسعه ای پایدار و انسان محور باشد. ماده ۱۸ اعلامیه مقرر می دارد، دولتها حین انجام اقدامات مقتضی برای تحقق توسعه، باید از برابری فرصتها برای همه از لحاظ دسترسی شان به امکانات اولیه، تحصیلات، خدمات بهداشت و درمان، تغذیه، مسکن، اشتغال، توزیع عادلانه درآمد، اطمینان یابند و برای حصول اطمینان از اینکه زنان نقش فعالی در فرایند توسعه دارند، اقدامات موثری انجام دهند.

در واقع ما می توانیم بگوئیم که توسعه اقتصادی شرط لازم برای تحقق حق توسعه است و نه شرط کافی. در جامعه ای که رشد اقتصادی همراه با افزایش نابرابری و تبعیض و متمرکز شدن هر چه بیشتر رفاه و قدرت اقتصادی باشد، بی آنکه شاخصهای توسعه اجتماعی، تحصیلات، بهداشت و درمان، توازن جنسی، حفاظت از محیط زیست بهبود یافته باشد و موازین حقوق بشر محترم شمرده شوند، و از همه مهم تر اگر

توسعه به مفهوم حقوق بشری آن، توسعه همه جانبه و پایدار است، توسعه ای انسانی است، یعنی توسعه ای که همه حقوق و آزادیهای اساسی انسان را می تواند کاملاً محقق کند، توسعه ای که تنها معطوف به یک وجه باشد در مفهوم حقوق بشری، نمی تواند توسعه ای پایدار و انسان محور باشد.

چنین رشدی توأم با احیانا نقض حقوق مدنی و سیاسی باشد، نمی تواند تأمین کننده حق بشری توسعه باشد.

همینطور که ملاحظه می کنیم، یکی از تأکیدهای اعلامیه ۱۹۸۶ مشارکت آزادانه و هدفمند مردم است و توزیع عادلانه و برابر مزایاست. در واقع هدف اصلی در رسیدن به توسعه می بایست تحقق رفاه مردم باشد، به گونه ای که اکثریت جامعه که در حال حاضر فقر و محروم اند، سطح زندگی شان بالاتر رفته و توان بیشتری برای بهبود وضعیت خود پیدا کنند و بدین ترتیب رفاه کل جامعه بهبود یابد.

به وضوح در اینجا می بینیم که مفهوم رفاه بسیار فراتر از معانی متداول رشد اقتصادی بوده و شامل افزایش فرصتها و قابلیت های برخورداری از آن فرصتها می شود که در شاخصهای توسعه اجتماعی و انسانی متبلور بوده و به نوبه خود به گسترش آزادیهای اساسی می انجامد. لازم به ذکر است که حق توسعه و تحقق آن، متضمن یک فرایند همراه با عدالت و برابری است.

توسعه ای که نتیجه اش توانمند شدن طبقه ای خاص باشد و در جهت بهبود وضعیت فقرا و نادارها حرکت نکند، توسعه انسان محور و

پایدار نیست، توسعه ای که تنها وجه اقتصادی و صعود شاخصهای اقتصادی را معیار و ملاک قرار دهد نمی تواند توسعه ای پایدار باشد. بند ۲ ماده ۲ اعلامیه ۱۹۸۶، بیان می کند که همه آحاد بشر چه به صورت انفرادی و چه جمعی مسئولیت تأمین حق توسعه و نیز تکالیف خود در برابر جامعه همراه با احترام کامل به حقوق بشر و آزادیهای اساسی بر عهده دارند.

اما نقش دولت کجاست و تا چه میزان است؟

دولت نقش زمینه سازی را برای مشارکت مردم در فرآیند توسعه دارد و باید مطابق ماده ۶ اعلامیه حق توسعه تدابیری را اتخاذ نماید که مشارکت مردمی را در تمامی سطوح تقویت کند و نقش ضمانت اجرای توزیع عادلانه و برابر را به عهده داشته باشد. اینجاست که برابری فرصتها و توزیع عادلانه درآمد و مزایا به میان می آید.

نقش حقوق و آزادیهای اساسی و فردی در این فرایند است که تبلور می یابد. معمولاً حکومتهایی که شفاف عمل نمی کنند و فاقد فضای دموکراتیک هستند، تنها نگاهشان به شاخصهای اقتصادی است و به سایر شاخصهای توسعه انسانی توجهی ندارند. در اینگونه جوامع تنها طبقه ای خاص از افراد جامعه از مزایا و درآمدها برخوردار می شوند. در اینگونه جوامع مشارکت مردم در فرایند توسعه انسانی تبلور نمی یابد زیرا فضای لازم برای تحقق این مشارکت همه جانبه فراهم نیست و فرایند موجود در آن جامعه همواره از جنس دولتی است و دسترسی به ابزار مشارکت و اطلاع رسانی مشکل می باشد و برای هر فعالیتی نیاز به مجوز حکومت دارد.

و معمولاً در چنین جوامعی خبری از توزیع عادلانه و برابری فرصتها نیست و توزیع براساس تقسیم به خودی و غیر خودی و یا سیاه و سفید صورت خواهد گرفت و بسیاری افراد از دسترسی به امکانات اولیه، تحصیلات، خدمات بهداشت و درمان، تغذیه، مسکن، اشتغال و... محروم هستند.

منابع:

- ۱) سنگوپتا، آرجون، حق توسعه در نظریه و عمل، مترجم: منوچهر توسلی جهرمی، مجله حقوقی، ش ۳۰.
- ۲) ذاکریان، مهدی، مفاهیم کلیدی حقوق بشر بین المللی، چاپ اول، تهران، میزان، ۱۳۸۳
- ۳) هاشمی، سید محمد، حقوق بشر و آزادیهای اساسی، چاپ اول، تهران، میزان، ۱۳۸۴
- ۴) عسکری، پویا، نسل سوم حقوق همبستگی، چاپ اول، تهران، مجد، ۱۳۸۳

وب سایت: www.umn.edu/humanrts/instree/ainstls.htm